

## عنوان مقاله:

بررسی ترس و اضطراب های بشری در دو داستان کوتاه «لاله» و «روز اول قبر» با عنایت به آراء پل تیلیش

## محل انتشار:

فصلنامه مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره 9، شماره 1 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

## نویسنده:

فاطمه کریمی - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، کارشناس امور پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی واحد کرج، دبیر و مدرس ادبیات فارسی

## خلاصه مقاله:

ترس و اضطراب از جمله عواطفی است که دارای بار منفی هستند که در حوزه ی روان شناسی و ادبیات داستانی همواره مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. این دو عامل طبیعی در وجود انسان باعث می شود که در مواجهه با خطرات از خود واکنش منفی نشان دهد. اضطراب یکی از واقعیت های زندگی انسان هاست، که آرامش و سلامتی آنان را به خطر می اندازد و ترس تجربه ای بسیار ناخوشایند است. حس ترس باعث پریشانی می شود. در جسم ما احساس دلشوره و احساس از تنش وجود دارد. اگر این احساس زیادتر شود انسان فکر می کند مریض است و علائم آن بر روی جسم آشکار می شود. اضطراب بیشتر در مورد پیش بینی خطری است که ممکن است در آینده اتفاق بیافتد در حالی که ترس در هنگام وقوع یا کمی قبل از وقوع چیزی خطرناک احساس می شود. ترس و اضطراب دو عامل طبیعی هستند که همواره باعث می شود که انسان در زندگی خود در مواجهه با خطرات از خود احتیاط نشان دهد و از جمله عواملی که باعث بوجود آمدن مشکلات فردی و اجتماعی زیاد می گردد که خطرات جبران ناپذیری را بر روح و روان انسان می گذارد. اهمیت بررسی و تحلیل مسئله ی اضطراب های انسانی در این است که وضعیت روحی و روانی انسان ها در ادوار مختلف، در ظهور و گرایش حس زیباشناسی انسان ها به سوی مکتب خاص (ابژکتیو/ سوژکتیو بودن، درونی/ برونی بودن، واقع گرا/ سوررئال بودن و...) تاثیر مستقیم دارد. از جنبه ی روانی و روان شناسی فراوان به موضوع اضطراب توجه شده است، ولی کمتر پژوهشگری به مساله اضطراب در آثار ادبی و رمان ها و داستان های کوتاه توجه نموده است. اضطراب انواع گوناگونی دارد. از نظر پل تیلیش فیلسوف و متکلم بزرگ آلمانی تبار ساکن آمریکا اضطراب، آگاهی وجودی از عدم است که می کوشد به ترس تبدیل شود از نظر او آنچه در نفس شناسی به عنوان عاطفه ی صرف مطرح است؛ نتیجه ی روبرو شدن انسان با تهدید عدم است که می تواند هم به بهترین حالت ممکن و هم به بدترین حالت ممکن روی دهد. پل تیلیش روان شناس معروف از سه نوع اضطراب نام می برد که طبق آن سه نوع نیستی بشر را تهدید می کند: اضطراب مرگ؛ اضطراب بی معنایی؛ اضطراب محکومیت. اضطراب مرگ: اضطراب حاصل از سرنوشت انسان است و اساس آن نفس وجودی اوست که مرگ آن را تهدید می کند. اضطراب بی معنایی: اضطراب حاصل از بی معنایی که اساس آن نفس معنوی آدمی است و پوچی آن را تهدید می کند. اضطراب محکومیت: اضطراب حاصل از محکومیت که اساس آن نفس اخلاقی انسان است و گناه آن را تهدید می کند. داستان های کوتاه «لاله» از رمان «سه قطره خون» اثر صادق هدایت و «روز اول قبر» از رمان «روز اول قبر» اثر صادق چوبک داستان نویسان معاصر ایرانی، از آن دست آثاری هستند که محور آن حول شخصیت های پریشان حال و مضطرب می گردد. صادق هدایت و صادق چوبک در آثارشان با آگاهی از روان پزشکی و روان شناسی، به پردازش شخصیت ها پرداخته اند. این شخصیت ها تحت تاثیر دیدگاه روانشناختی نویسندگان بوده؛ چرا که آنان کاراکترهای روان پریشی را به تصویر می کشند که بنا به دلایل مختلف از لحاظ روانی در تعارضند. این شخصیت ها تنها و خسته از این دنیا ...

## کلمات کلیدی:

اضطراب، ترس، داستان کوتاه، پل تیلیش، لاله، روز اول قبر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1752093>



